

مدرسه دخترانه روستای فارسجین رزن به بهره برداری رسید

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، مدرسه ۴کلاسه دولتی دخترانه روستای فارسجین در شهرستان رزن با حضور کاردار سفارت جمهوری فدرال آلمان در تهران به بهره برداری رسید.

ساختمان این مدرسه که در زلزله خردادماه سال گذشته به شدت آسیب دیده بود، با کمک وزارت همکاری های اقتصادی و توسعه آلمان زیرنظر انجمن همکاری های فنی این کشورو بازسازی شد.

دولت جمهوری فدرال آلمان یک میلیون یورو برای بازسازی ساختمان مدارس در مناطق زلزله زده استان همدان اختصاص داده است.

سرگذر

سوزۀ هفته —————

سید فاضل بلاغی

...اسطوره تر از شهید

روزی جوان شادابی بود، مثل من، مثل تو، مثل تمام جوانانی که امروز روزگار خوشی را در کنار خانواده و دوستان می‌گذرانند. مثل تمام جوانانی که به حکم جوان بودن شادی و تفریح را برایی خود واجب الوجود می‌دانند مثل این چند میلیون جوان باشعور ایران زمین. اما دست روزگار اجازه نداد او جوانی کند.درست زمانی که او می‌خواست استقلال و آزادی خویش را جشن بگیرد، تمام آنهایی که این حقوق طبیعی انسانها را نمی‌توانستند تحمل کنند به صورت متحد و با نام عراق به خاک و وطنش دست دراز می‌کردند و او را ناکام از تمام خوشی‌ها و زیبایی‌های زندگی خواستند. لباسهای خاکی را پوشید، چفته اش را به دور کردن انداخت، پيشانی‌بند (یا ابوالفضل العباس) را برپیشانی بست و راهی جنوب، غرب و تمام نقاطی شد که دست مجاورزان به خون هم وطنانش آلوده شده بود. جوان آن روز کرد، لر، ترک، فارس، و در یک کلام ایرانی دیگر برایش اهمیت نداشت خود بودن، او ایران مردم ایران و دین و ناموسش را می‌دید.به نقطه‌ای که آنجا را جبيه خطاب می‌کردند راهی شد و برای بیرون راندن دشمنان دین و آزادی جانش را فدا کرد.

...و امروز او دیگر جوان نیست، جوانی او با توپ و تفنگ، خون و آتش و عشق و ایثار گذشت،می‌دانی خیلی سخت است که در مقابل دیدگانت، دوست، همسرکت، محرم رازهایت و همراه گامه‌بایت به خون بغلتد و دم زنی، خیلی سخت است که تکه ای از بدنت درمقابل تیر و ترکشهای دشمنان جدا شود و تمام عمر تو را ناقص العضو کند و بازهم دم زنی، خیلی سخت است که در عنقوان جوانی، تمام شادبیاها و لذت‌های زندگی را به کناری بگذاری و برای دفاع از خاک پاک میهن به جایی بروی که بدانی آنجا مرگ می‌فروشند و باز هم دم زنی. ولی جوان آن روز رفت و چه عاشقانه، کوبی تمام لذت‌های زندگی در پشت همان خاکریزهای شهادت انباشته شده بود کوبی تمامی آمال و آرزوهایش در میان انبوه گلوله های دشمنان پنهان شده بود. کوبی تمامی زندگی در همان نقطه، نقطه ای از بهشت، کم شده بود. فرقی نمی‌کرد چه کسی باشد، باکری، همت، صیاد شیرازی و یا هرکس دیگری باید می‌رفت اگرچه می‌دانست دیگر برنی‌گردد.

جوان آن روز دوتکه شد، تکه ای که رفتند و برگشتند و تکه ای که برگشتند و تنها ماندند، آری تنها، در میان کوره راه‌های مصیبت بار زندگی آنها که رفتند نامشان ماند. آنها که مانند غمشان، می‌دانی، خیلی سخت است بمانی و در تنهایی خود لحظه ای را بیبینی که آشنا به روی تو، تویی که بخاطر آن آشنا رفته بودی، در را می‌بندد، نگاهت نمی‌کند، حتی اگر چشمانت پراز التماس باشد. التماس نکن، التماس نکن که تو از نسل دلاورانی، تو دلآوری کن، اگر درست، پایت، چشمت و تمام وجودت لبریز از یادگارهای اسال استقامت در مقابل بیگانگانی باشد که می‌خواستند به حریم زندگی تو تجاوز کنند. گرچه جان‌باز شدی ولی برای من تو هنوز هم یک اسطوره ای، حتی اسطوره تر از شهیدان، التماس نکن، تو وجودت، نفست، احساست و نگاهت برای من امید است. التماس نکن حتی اگر مردی آشنا ولی بیگانه تر از هر بیگانه به نام تو رئیس باشد و فراموش کند تو که بودی. التماس نکن، تو در مقابل هزاران هزار بیگانه و دانه ایستادی پس در مقابل آشناها غصه نخور! بگذار آن آشنا فراموش کند تو که هستی. تو درمقابل نامردان خارجی التماس نکردی پس درمقابل یستان داخلی هم چنین کن.

دستانت را می‌بوسم، درمقابل تو دست به سینۀ می‌نشینم، حرف‌هایت را با جان و دل می‌شنوم تا تو نرنجی، تویی که برای من یک اسطوره ای، اسطوره تر از شهید!



▼ گزارش ▼

واقعیت‌هایی درباره زمین‌شناسی شهر تبریز

ایوب قدیرزاده – کارشناس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی شمالغرب کشور



زمین لرزه‌های سخت، یکی از حادثه‌های همیشگی و وحشت‌انگیز تبریز بوده و این شهر همواره از این آفت طبیعی یایی‌مه‌ری‌های طبیعت‌گزنده‌ها و آسیب‌های فراوان‌یافته‌است. بارها چنین رخ داده که شهر بر اثر این بلایای آسمانی، پاک ویران گردیده و سپس شهری از نو ساخته و پدید آمده‌است.

شهر تبریز در طول تاریخ ۳۷۰۰ ساله خود بارها با این گونه زمین لرزه‌ها و ویران‌ها روبرو شده و مردم آن بارها، پس از این زمین لرزه‌ها که سر از زیر آوار بیرون آورده‌اند شهر خود را جز تلی خاک آغشته به خون نیافته‌اند.

با اینکه زمین لرزه یکی از حوادث‌دامی تبریز است ولی متأسفانه از این زمین لرزه‌های تاریخی که در زندگی شهر و مردم آن اثرهای اقتصادی و اجتماعی بسیار به جا نهاده‌است در کتاب‌ها و نوشته‌ها جزء آگاهی‌های اندک و کوتاه و نارسا چیزی نیامده‌است. نویسندگان پیشین‌کمترین رغبتی به یادداشت کردن و نوشتن شرح دقیق اینگونه پیشامدها از خود نشان نداده‌اند.

شهر تبریز در حال حاضر یکی از کلان‌شهرهای کشور بوده و در دو سه دههٔ اخیر مجتمع و برج‌سازی بدون توجه به پتانسیل‌های لرزه‌خیزی آن بصورت بی‌رویه، در همه

جای شهر علی‌الخصوص در حریم گسل تبریز (شهرک‌های باغمیشه، رشديه، الهیه، ولی‌الامر و…) رو به گسترش و توسعه می‌باشد. مسئولین کشوری و دست‌اندرکاران مسایل ساخت و ساز باید پیشینهٔ لرزه‌خیزی این شهر را در نظر گرفته و از گسترش شهر به سمت مکان‌های پرخطر و مقاوم و سبک‌سازی‌سازه‌ها عنایت بیشتری داشته باشند چون این شهر در طول تاریخ زمین لرزه‌هایی به بزرگی ۷/۶ ریشتر را نیز متحمل شده‌است (زلزله سال ۱۷۲۱ میلادی یعنی ۲۸۲ سال پیش) و براساس داده‌های مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران وایسته به وزارت مسکن و شهرسازی، شهر تبریز پرخطرترین شهر کشور از نظر لرزه‌خیزی بوده و در نقشه پهنه‌بندی تهیه شده توسط این مرکز، شهر تبریز پهنهٔ باخطر بسیار بالا مشخص گردیده‌است.

حالا در صورت وقوع زلزله چه پدیده‌های مخرب در چه نقاطی از شهر احتمال بروز

دارند؟

در صورت وقوع زمین لرزه، پدیده‌ها و عوامل مختلفی باعث تخریب و ویرانی‌سازه‌ها و ساختمان‌ها میگردند که عبارتنداز:
تأثیر مستقیم امواج زلزله برساختمان‌ها.
پدیدهٔ رانش زمین (به عبارت دیگر لغزش‌های تحریک زلزله‌ای).

پدیدهٔ لیکوفکشن یا روانگرایی (Liquefaction)

۱. تاثیر مستقیم امواج زلزله: حرکت لایه‌ها در محل گسل باعث آزاد شدن انرژی انباشته شده و ایجاد زلزله می‌گردد. انرژی آزاد شده از کانون زلزله بصورت امواج (امواج P،s) در تمام جهات منتشر میشوند امواج سطحی (۱) مسئولیت تخریب بیشتر ساختمان‌ها را بعدهه دارند زیرا وارد پی ساختمان‌ها شده و مانند اری در ابعاد گسترده عمل می‌نمایند. ناحیه ایکه بیشتر از همه تحت تاثیر زلزله قرار میگیرد در اطراف مرکز سطحی (بیرونی) زلزله قرار دارد وسعت این ناحیه تابع شدت زلزله و فاصله کانون زلزله‌است.

مناطق دامنهٔ کوه عینالی مانند شهرک‌های نیروی هوایی، باغمیشه، رشديه، الهیه، صالح آباد، کوی شهیدبهشتی، یوسف آباد، ولی الامر، ملازینال، ارم، رضوانشهر و… در کنار یک شکستگی بزرگ و بسیار کهنی بنام گسل شمال تبریز قرار گرفته‌است. طول این گسل از قم تا آنتاولی ترکیه و سن آن به دوران دوم زمین‌شناسی مربوط میگردد. علت اصلی زمین لرزه‌های تبریز، حرکت و جنبش این گسل بوده و سابقهٔ بسیار دیرینه ای دارد. حریم این گسل در هنگام ساخت و ساز‌ها باید رعایت میگردید تا هنگام وقوع زلزله آسیب مستقیم زلزله به سازه‌ها و ساختمان‌ها وارد نمیشد متأسفانه نه تنها این امر مهم رعایت نشده بلکه در دو سه دههٔ اخیر شاهد ساخت و ساز‌هایی در این مناطق بوده ایم و حتی بدون توجه به تحقیقات وزارت مسکن و شهرسازی مبنی بر پرخطر بودن شهر تبریز از نظر لرزه ای، توسعه و گسترش شهر به سمت قاط پرخطر هدایت گردیده‌است. لذا در صورت وقوع زلزله ساختمان‌ها و سازه‌های موجود در این نواحی مستقیماً تحت تاثیر امواج مخرب زلزله قرار خواهند گرفت. راه چاره: در کشورهای پیشرفته حریم گسلس‌ها رعایت میگردد و معمولاً در آن حریم فضای سبز ایجاد میکنند و از طرفی چاه‌هایی در سطح گسل ایجاد کرده و فاضلاب شهر را در آن تزریق می‌نمایند که این عمل باعث لیز و صابونی شدن سطوح گسل گردیده و با بروز زلزله‌های متعدد ولی با شدت‌های بسیار کم مانع تجمع انرژی بیشتر در سطح گسلس‌ها و وقوع زمین

مجوز تاسیس ۹مدرسه شبانه روزی در

استان آذربایجان شرقی صادر شد

مجوز تاسیس ۹مدرسه شبانه روزی در استان آذربایجان شرقی در نشست اعضای شورای آموزش و پرورش این استان صادر شد.
براساس این مصوبه، این مدارس در شهرهای گوگان، تسوج، خدافرین، ورزقان، مرند، مرزن‌دات، آذغان، سراب و فراجو در قالب مداری تازه تاسیس، ضمیمه و تبدیل وضع راه اندازی شدی و در مقاطع راهنمایی، دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی فعالیت خواهند کرد.
در این نشست، افزایش مراکز زیرپوشش آموزش و پرورش، با استاردهای قابل قبول رساندن سطح آموزشی در این استان و ایجاد زمینه برای استفاده از امکانات آموزشی توسط دانش آموزان مناطق محروم از اهداف تاسیس مدارس شبانه روزی عنوان شد.

سه شنبه ۸ مهر ۱۳۸۲دوره جدیدشمار سه

سهند؛ بفر مایید

خیلی وقت بود که جای خالی نشریه‌ای مثل سهند حس می‌شد، از اینکه حامی چهره‌های فرهنگی و هنری کشور هستیید از شما تشکر می‌کنیم

یوسفی از تهران

ما دانشجویان ادبیات دانشگاه آزاد اهانت روزنامه… به شهریار را محکوم می‌کنیم و خواستار برخورد جدی با عوامل این اهانت هستیم.
جمعی از دانشجویان ادبیات دانشگاه تهران

اهانت به شهریار آن هم توسط کسانی که داعیه‌دار دموکراسی و جامعه مدنی هستند تا‌عسف بار است. خوشحالم‌یک دست روشفکران و آزاداندیشان برای ما رو شد.

جمعی از دانشجویان دانشکده هنر دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز گرچه با اهانت به شهریار مخالف ولی امیدوارم در قبال دیگر هنرمندان نیز همین قدر حساس باشید البته امیدوارم این جوابیه صرفاً به دلیل مسائل فرهنگی باشد نه دیدگاه‌های سیاسی!

خاکپور از لرستان

سهند، دوست عزیز خوشبختانه سهند از همان ابتدا نشان داده که اهل جناح بازی‌های رایج در عرصه سیاست نیست. در مورد جوابیه به روزنامه شرق نیز باید بگویم نه تنها به دلیل گرایشات سیاسی آنها را مورد خطاب قرار ندادیم بلکه جوابیه سهند فقط جنبه فرهنگی داشت و بس. توزیع سهند در تبریز افضضاح است. متأسفانه اکثر دکه‌دارها سهند را نمی‌شناسند و آن را لای روزنامه‌ها کم می‌کنند. فکر می‌کنم با تبلیغ مناسب بتوانید افکار عمومی را با سهند آشنا کنید.

یک خواننده از تبریز

به سردبیرتان بگوید هنوز خیلی مانده تا به… و… درس روزنامه‌نگاری بدهد آنها برای آزادی هزینه داده‌اند و مطمئن باشید با تخریب‌های امثال این آقا هرگز خرد نخواهند شد. در ضمن از سهند اصلاً خوش نیامد.

یک خواننده از تهران

سهند: از اظهار لطقتان نسبت به سردبیر ما و هفته‌نامه سهند از شما تشکر می‌کنیم. یک هفته نامه تازه تاسیس می‌خواهد در مقابل روزنامه… قد علم کند. برای این مطبوعات متأسفیم که هرکسی از راه می‌رسد می‌خواهد خودش را مطرح کند.

احمدزاده از همدان

سهند: دوست عزیز اولاً هفته‌نامه سهند ۱۴سال است که منتشر می‌شود، دوماً روزنامه مورد نظر شما هنوز یک ماهه نشده، سوماً در مطبوعات کسی در مقابل کسی قد علم نمی‌کند چهارماً همکارانمان در آن روزنامه به خوبی با سوابق نویسندگان سهند آشنا هستند پنجماً بازم بگیم یا بسه.

به مسئولان سهند بگوئید شما شرف و عزت آذربایجان هستیید ما مردم تبریز به شما افتخار می‌کنیم موفق باشید.

جمعی از خوانندگان سهند ـ تبریز

وزن ساختمانها و فشار امواج زلزله بیشتر باشد شدت عمل این پدیده نیز بیشتر خواهد بود.

بخش عمدهٔ شهر تبریز بر روی نهشته‌های آبرفتی (شن، ماسه، سیلت و…) قرار گرفته و با توجه به میزان مصرف آب روزانهٔ شهر که چیزی در حدود ۳۰۰۰۰۰ متر مکعب یعنی ۳/۵ متر مکعب در هر ثانیه می‌باشد از حدود ۹۰۰ درصد این آب مصرفی بعلت نیودن سیستم زهکشی فاضلاب به داخل چاه‌ها منتقل می‌گردد که باعث تقویت آبهای زیرزمینی شده و این آبهای زیرزمینی بعلت متخلخل بودن رسوبات بستر شهر به سمت غرب و در نهایت به سمت دریاچهٔ ارومیه حرکت می‌کند.

قسمتهای غربی شهر مانند منطق نصف راه، راه آهن، کوچه، باغ، نسبت به بخش‌های شرقی، جنوبی و شمالی شهر در ارتفاع پایین تری قرار گرفته و سطح آبهای زیرزمینی در این مناطق بسیار بالاست بطوریکه در عمق ۲٫۳ متری به سطح ایستایی می‌رسد.

بالا بودن سطح ایستایی و شن و ماسه و سیلتی بودن بستر این بخش از شهر شرایط مناسبی را برای ایجاد پدیده لیکوفکشن در هنگام وقوع زلزله فراهم می‌نماید. لذا در صورت بروز پدیده لیکوفکشن، ماسه های غوطه ور در آب در اثر لرزش و وییره امواج زلزله و وزن ساختمان‌های بزرگ (مجتمع‌ها و آپارتمان‌های سنگین) از گوشهٔ ساختمان‌ها به سطح زمین آمده و در نتیجه زیرساختمان‌ها خالی گشته و سازه‌ها هرچه مقاوم هم باشند تعادل خود را از دست داده و واژگون می‌گردند. راه چاره: برای جلوگیری از اتفاق پدیدهٔ لیکوفکشن در بخش‌های غربی شهر باید چاه‌هایی در نقاط مختلف حفر و آب‌های زیرزمینی به سطح پمپاژ گردد تا بدین طریق سطح ایستایی به اعماق بیشتر هدایت شود و همچنین از احداث برج‌های بلند و سنگین جلوگیری شود و برای احداث ساختمان‌ها از مصالح سبک وزن استفاده گردد.

منابع مورد استفاده

۱-زمین لرزه های تبریز یحیی دکاء

۲-پهنه بندی خطر نسبی زمین لرزه در ایران وزارت مسکن و شهراسزی

بیکاری حدیثی مکرر اما…

مجتبی عبدالمهی

می‌رسد حکایت زندگی این جوانان سرنوشت محتومی است که از افتادن در سیکل معیوبی شکل گرفته که مشخص نیست چه هنگام از آن خلاصی می‌یابند و اصلاً آیا این روند اصلاح شدنی هست یا نه؟ آیا طبقاتی متوسط و پایین جامعه بخصوص در شهرستان‌ها که دستشان به هیچ جا بند نیست و همواره سنگ زیرین آسیاب اند (چه بخواهند و چه نخواهند) آینده ای خواهند داشت؟ هر تصمیمی که در بالا اخذ می‌شود اگر مزایایی داشته باشد تا بخواهد به ایشان برسد دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند و اگر معایبی داشته باشد که معمولاً دارد؛ فشار مستقیم آن به این طبقات وارد می‌گردد. باید کوه بود تا زیر بار این مشکلات متلاشی نشد و مگر آدمی چنین توانی دارد؟!

این نسل و این جوانان دیگر رمقی ندارند، «امید» هم از آنان قهر نموده و از نزد این‌ها رخت بریسته! و بدون امید مگر می‌توان ادامه داد؟ آرزوها و وعده‌های بلند بالا جامعه عمل پوشانده نشد ولی مگر خواستن حداقل‌ها، انتظار زیادی است؟ این جوانان می‌خواهند از زور بازو و عرق جبین «ثانی به منزل» برند و مگر این توقع بزرگی است؟ تا چه زمان می‌بایست چوب مدیریت نادرست و خودخواهی را این مردم رنج دیده بخورند؟ آیا نباید روی آرامش بینند؟

آگاه باید بود. جامعه یک موجود ایستا و منجمد نیست که همواره رفتار مشخص بروز دهد و «کرنش» کند بلکه جامعه یک عنصر «پویا و متحرک» است و رفتارهایی گاهی عجیب و غریب از خود بروز می‌دهد. جامعه توان و تحمل مشخص دارد و بیش از آن را یارای تحمل ندارد. متأسفانه می‌بینم بجای اختصاص بودجه های اضطراری به این بخش همین اندک بودجه صرف بروکراسی و تشکیل تشکیلات اضافی، برای کارهای آنچنانی و بازی با خواست ملت می‌گردد! مسئولان باید بهوش باشند. آژیر خطر دیر هنگامی است که صدا درآمده. مبادا هنگامی به خود آیند که «سهراب» مرده باشد،ابه جای صرف انرژی و مبارزه با بسیاری معضلات بهتر است به ریشه آنها یعنی بیکاری، پرداخت که در اینصورت آنها خود بخود علاج می‌گردد.
آنانی که می‌پندارند مردم «باید» مطیع و فرمانبردار حکومت باشند، نمی‌دانند که جامعه «باید» نمی‌شناسد و مسئولین هستند که می‌بایست خود را با آنان هماهنگ کنند نه بر عکس! فرصت‌ها هر لحظه از کف می‌رود و بحران بیکاری عمیق تر می‌شود ولی برخی آن را جدی نمی‌گیرند.
بیکاری از منظر جامعه شناختی علاوه بر ایجاد معضلات دیگر، در حد ماکزیم خود، حتی امنیت، نه تنها مردم ما بلکه مسئولان را هم دچار خطر می‌سازد. جامعه ای که از خط بحران فراتر رود دیگر برگشت‌پذیر نیست و «آب رفته دیگر به جوی باز نمی‌گردد». با آسیب های اجتماعی نمی‌توان سهل و ساده برخورد نمود بلکه می‌بایست بسیار با دقت نظر و ظرافت و وسواس بالا عمل نمود. بایستی مراقب بود زیرا آمارهای بیکاری از حد نگرانی گذر نموده و با خودخواهی‌ها قابل رفع نیست. «انفجار اجتماعی» پدیده میمونی نیست اما اگر بیاید خشک و تر با هم می‌سوزند.